



هشدار چندین باره رهبر انقلاب درباره عواقب وابستگی اقتصادی نفت
درآمد آسان صدور نفت خام
بلای بزرگ کشور است

میت پات

قطع وابستگی به صادرات نفت خام یکی از اولویتهای در زمینه اقتصاد است. درآمد آسان صدور نفت خام با این بزرگ است. این مشکل دیرینه و فاعله به غیر بیطرف کشور نام شده است.



سال چهارم شماره ۲۴۹ شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۸

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb

باور داشته باشیم

صبح نو: همان طور که پیش بینی می شد رونمایی از سامانه برد بلند پدافندی «باور ۳۷۳» از جانب بسیاری از رسانه های مهم دنیا پوشش داده شد؛ سامانه پدافندی که حدوداً ۱۱ سال قبل و بعد از دست رد طرف روسی برای واگذاری سامانه های مشابه به ایران، ساختش در دستور کار قرار گرفت. حالا حدوداً یک دهه از آن روز می گذرد؛ از روزی که طرف مقابل به بهانه بعضی از تحریم های سازمان ملل از واگذاری سامانه پدافندی به ایران خودداری کرد، در حالی که امضایش پای تعهدش خشک نشده بود. راهکار برون رفت از این مشکل همان راهکار همیشگی بود؛ اتکای صرف به توان و دانش داخلی؛ اتکایی که باعث شد در روز ملی صنایع دفاعی، رئیس جمهوری منتخب ملت ایران با اعتماد به نفس پشت تریبون قرار گیرد و با غرور و افتخار، یادآوری کند که نتیجه تلاش متخصصان ایرانی، یک سر و گردن از انواع خارجی بالاتر است. همچنین با غرور و افتخار پشت تریبون بایستد و برای طرف آمریکایی رجز بخواند. این غرور و افتخار بیش از آنکه یک احساس بومی و ملی در افتخار به ساخت یک کالا با بالاترین درجه پیچیدگی باشد، تابلو و راهنمای یک مسیر است؛ تابلویی که نشان می دهد راه باز شدن گره های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از کجا می گذرد؛ تابلویی که نشان می دهد اگر قرار باشد موانع رشد و پیشرفت از میان برداشته شوند، باید به کجا امید بست؛ تابلویی که نشان می دهد راه حل مشکلات ریز و درشت داخلی، همین جاست؛ درون همین خاک و توکل مردان و زنان به تنها قدرت هستی و دست بر زانو زدن و یاعلی گفتن! باور داشتن به این مسیر، راهکار اصلی قطع ید بیگانه است.

اقتدار دفاعی را به حوزه اقتصاد تعمیم دهید

جوان: حضرت امام خامنه ای در آستانه هفته دولت (و هفتمین سال دولت آقای روحانی) چهارشنبه ۳۰ مرداد ماه در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، «اقتصاد» و «فرهنگ» را دو مسئله مهم کشور و تولیدکنندگان را رزمندگان در جنگ اقتصادی دشمن عنوان نموده و ضمن تأکید بر توجه کامل مسئولان به «تولید داخلی» به عنوان «کلید اصلی حل مشکلات موجود» سه اولویت کشور را: ۱ - رهایی کشور از وابستگی به درآمد نفت ۲ - توجه ویژه به بخش های پیشران اقتصادی نظیر مسکن، کشاورزی و شرکت های دانش بنیان ۳ - «ضرورت تغییر نگاه به تولید کننده به عنوان رزمنده جنگ اقتصادی» مطرح کردند و در عین حال بر «لزوم جهت گیری و هدفگذاری پیشرفت اقتصادی به سمت تأمین عدالت و ریشه کن کردن فقر» به عنوان هدف اقتصادی نظام اسلامی نیز تأکید فرموده و مسئولان وزارتخانه ها و دستگاه های مرتبط با مقوله فرهنگ را به حساسیت بیشتر و مقابله جدی و هوشمندانه با هجوم همه جانبه دشمن به مبانی دینی، انقلابی و اخلاقی فراخواندند.

هم اینک بین جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه، نبرد اراده ها به صورت تمام عیار در حال اجراست و در این نبرد مبتنی بر فشار حداکثری، جنگ اقتصادی مرکز ثقل فشار اقتصادی دشمن علیه ماست و تحریم های همه جانبه و عملیات های سیاسی، فرهنگی، اطلاعاتی، امنیتی، تبلیغاتی و روانی و... همگی بر اساس جنگ اقتصادی سازماندهی شده است. نظام سلطه در جنگ اقتصادی فقط نشانگاه های اقتصادی را هدف نگرفته بلکه گرانگاه و هدف اصلی خود را بر مرعوب سازی و به زانو درآوردن ملت ایران متمرکز نموده و مجموعه ای از اهداف ریز و درشت به ویژه در دو حوزه فرهنگی و اقتصادی مشتمل بر: «نامید کردن مردم»، «عصبانی کردن مردم»، «ترساندن و مرعوب سازی مردم»، «خشمگین کردن و به عصبان کشاندن مردم»، «مرعوب سازی مسئولان نظام»، «ایجاد و سازماندهی اعتراضات و نافرمانی های مدنی»، «ایجاد و سازماندهی و پشتیبانی تحرکات ضد امنیتی و اشراخ داخلی»، «ترویج بی اعتمادی»، «تخریب باور و ایمان مردم»، «درگیر کردن نظام در یک میدان خاص با هدف غفلت از سایر میدان های اصلی»، «مدیریت افکار عمومی مردم ایران»، «القای ناکارآمدی نظام»، «بالا بردن هزینه های زندگی مردم»، «اختلال و یا کند کردن روند و برنامه توسعه و شکوفایی اقتصادی کشور»، «درگیر کردن بودجه و امکانات و مدیریت کشور در حوزه جنگ اقتصادی»، «دوقطبی سازی جمعیتی و ایجاد شکاف در صفوف ملت ایران با دوگانه های ساختگی نظیر جنگ/مذاکره و سازش»، «ایجاد و تشدید دوقطبی مردم/نظام»، «تخریب فرهنگ ملی به دست خود مردم ایران» و... را تعقیب می کند.

رزمندگان اقتصادی زیر آتش جست و جوی کلید در پاریس!

کیهان: کمتر از دو هفته به گام سوم کاهش تعهدات برجامی ایران باقی مانده است. تحولات اخیر نشان می‌دهد اروپایی‌ها قصدی برای انجام تحرکی جدی در راستای عمل به تعهدات خود در قبال ایران ندارند و سیاست ائتلاف وقت را در پیش گرفته‌اند. با این حال برخی نشانه‌ها حاکی است دولت آقای روحانی همچنان امیدوار است آبی از اروپا گرم شود. تماس‌های تلفنی طولانی رئیس‌جمهور با همتای فرانسوی خود و دیدار دیروز ظریف با ماکرون در فرانسه از جمله این نشانه‌ها هستند. ظریف پس از این دیدار گفته است: «فرانسه پیشنهادهایی را ارائه کرده بود و پیشنهادهایی را ما ارائه کردیم درباره نحوه اجرای برجام و گام‌هایی که نیاز است طرفین بردارند.»

در حالی که بیش از ۱۵ ماه از خروج رسمی آمریکا و عملی اروپا از برجام می‌گذرد، وزیر محترم امور خارجه کشورمان همچنان به دنبال نحوه اجرای برجام است و معتقد است؛ «پیشنهادهای ماکرون درباره برجام در مسیر درستی پیش می‌رود!» اقدامات و مواضع مقامات ارشد دولت نشان می‌دهد متأسفانه امید به سراب برجام، همچنان ذهن دولت «تدبیر و امید» را در اشغال خود دارد و آنان هنوز نتوانسته‌اند با واقعیت‌های صحنه، خود را تطبیق داده و برخوردی منطقی داشته باشند. در همین حال هفته گذشته علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی، برجام را توافقی اشتباه دانست که نباید امضا می‌شد. موضعی که به‌طرز قابل‌تأملی از سوی رسانه‌های حامی دولت سانسور شد و بی‌سروصدا از کنار آن گذشتند. دلایل متعدد و متنوعی برای اشتباه بودن امضای برجام وجود دارد. یکی از اصلی‌ترین این دلایل را می‌توان در اظهارات اخیر برایان هوک، رئیس «گروه اقدام علیه ایران» مشاهده کرد.

نماینده ویژه دولت ترامپ در امور ایران مدعی شده که تحریم‌ها «احتمالاً» ایران را به میز مذاکره بخواهند گرداند. هوک در مصاحبه‌ای، درباره سیاست موسوم به «کارزار فشار حداکثری علیه ایران» گفت: «ما تلاش می‌کنیم فشاری به ایران تحمیل کنیم که احتمالاً این کشور را پای میز مذاکره بخواهد گرداند. تحریم‌ها در گذشته کارگر افتاده‌اند، احتمالاً باز هم کارساز خواهند بود.»

علت مهم و اصلی درباره اشتباه بودن برجام، در همین عبارت هوک نهفته است؛ «تحریم‌ها در گذشته کارگر افتاده‌اند»، پس «احتمالاً باز هم کارساز خواهند بود.» بزرگ‌ترین اشکال توافق هسته‌ای همین بود که آمریکایی‌ها را به طمع انداخت. وقتی با فشار و تحریم می‌توان در حوزه هسته‌ای امتیازهای کلان گرفت، چرا نباید این ابزار را در سایر حوزه‌ها - توان نظامی و به‌طور مشخص موشکی، نفوذ منطقه‌ای و حتی مسائل داخلی ایران - بکار گرفت؟!



حرف روز / بازی خطرناک!

پایگاه بصیرت: یکی از مختصات جریان مقاومت در مقطع کنونی تبدیل آن به یک شبکه به هم پیوسته و حساس در برابر تهدیدات پیش‌روست. یعنی اگر تهدیدی علیه بخشی از محور مقاومت عملیاتی شود، دیگر اضلاع آن درصدد عکس‌العمل برمی‌آیند؛ صحنه و میدان تحولات سوریه و مشارکت همه اضلاعی که نسبتی بین خود با محور مقاومت تعریف کرده‌اند، نشانه‌ای واضح از این واقعیت است که تفکر و جغرافیای مقاومت در منطقه از خصوصیات نظیر حساسیت به تهدید و ورزیدگی و هوشمندی در واکنش برخوردار است. پیشتر سیدحسن نصرالله با تشریح این راهبرد، بیان کرده بود حمله به ایران، اعلان جنگ علیه محور مقاومت است.

در هفته‌های گذشته رژیم صهیونیستی آن‌گونه که سران‌شان اعتراف کرده‌اند، پایگاه‌های حشدالشعبی عراق را مورد حمله پهلپادی قرار داده‌اند و نتانیاهو به صراحت گفته است، ایران در عراق، یمن، سوریه و لبنان پایگاه نظامی احداث می‌کند و ما نیز در عراق و بسیاری دیگر از اماکن از جمله خاک سوریه، علیه آنها اقدام می‌کنیم! البته شواهد روشن دیگری نیز وجود دارد که تأیید می‌کند، بازیگر اصلی حمله به مقرهای نظامی عراق، آمریکا است. پس از این حملات، حزب‌الله عراق در واکنش به حادثه اخیر پایگاه هوایی بلد این کشور تأکید کرد، در صورت تکرار حادثه مشابه اقدام عملی انجام خواهد داد؛ «نوری مالکی» رئیس ائتلاف دولت قانونی عراق نیز اعلام کرد، اگر رژیم صهیونیستی به هدف قرار دادن عراق ادامه دهد، این کشور به میدان جنگی تبدیل خواهد شد که بیش از یک کشور، از جمله ایران در آن شرکت خواهند کرد. در این میان، ظاهراً رژیم صهیونیستی قصد ندارد از حوادث و تاریخ عبرت بگیرد؛ حماقت آنها در حدی است که حتی حاضر نیستند از خود بپرسند، آغاز کدام جنگ و ورود به کدامین معرکه برای آنها دستاورد و موفقیت داشته است. آیا می‌توان تصور کرد که رژیم صهیونیستی و آمریکا از سرزمین عراق و امنیت این کشور که برای همه اضلاع مقاومت و به خصوص جمهوری اسلامی ایران اهمیت راهبردی دارد، جان سالم به در ببرد و تاوان جنایت‌هایش را نپردازد؟ واقعیت آن است که در محور مقاومت منطقه‌ای، با وجود تفاوت‌های جغرافیایی و برخی نقاط متمایز سیاسی، یک روح دمیده شده و تحولات این جریان از یک معنای راهبردی تبعیت می‌کند. با این اوصاف رژیم صهیونیستی اگر بخواهد به این گونه جنایت‌هایش ادامه دهد، قطعاً باید منتظر پاسخ‌کننده مقاومت باشد که تا آن‌ه‌ه حفا، ا نام، خواهد کد.

آموزش تحلیل سیاسی / ورق برگشت (۱۰)

می‌نوشتند که ایران اسلامی چون در مقابل آمریکا ایستاده است، پس قطعاً شکست می‌خورد و مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. تحلیل‌های مادی این را می‌گفت، این را نشان می‌داد. خیلی از روشنفکرانمان ما که خود را اهل تحلیل سیاسی و زیر و رو کردن حوادث و استنتاج از حوادث می‌دانستند، این‌جور تحلیل می‌کردند. اما بعکس شد؛ اسلام پیروز شد، جمهوری اسلامی پیروز شد، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی شد. ۹۰/۸/۱۱

کشف ساختاری جدید در «عصر جدید»

خراسان: فصل اول «عصر جدید» با موجی از احساسات، امیدها و واکنش‌هایی که برانگیخت به پایان رسید. «عصر جدید» گرچه خود آمده تا استعدادهای جوانان ایران را کشف و به جامعه عرضه کند اما خود این برنامه و این سبک از برنامه‌سازی مبتنی بر جذابیت، مردمی بودن، محتوا محوری و توجه به مفاهیم انسانی، بدون پا گذاشتن روی ارزش‌ها را باید دوره‌ای جدید در برنامه‌سازی صداوسیما دانست. دوره‌ای که نوید چسبندگی مخاطبان به «رسانه ملی» را می‌دهد؛ آن هم پس از برهه‌ای که به هر دلیل به این جنبه کم توجهی شده بود.

در دوره‌ای که برنامه‌های پرمخاطبی چون «خندوانه»، «دوره‌می»، «برنده باش» و امثالهم مبتنی بر «ستاره‌سازی» صرف رشد کرده بودند و بدون شک آسیب‌های رفتاری و گفتاری این ستاره‌ها که خواسته یا ناخواسته به الگوهای برای جامعه تبدیل شده‌اند، دامن جامعه را می‌گیرد، «عصر جدید» در یک کار تیمی و گروهی، نه با تکیه بر «ستاره‌سازی» صرف، بلکه با تکیه بر کشف و رونمایی از استعدادهای بالقوه جوانان ایرانی، سبکی جدید را به نمایش گذاشت که می‌تواند موفقیتی بزرگ برای صداوسیما در دوره‌ای جدید باشد. برگزیده شدن و طلایی شدن یک زن ایرانی در پایان فصل اول «عصر جدید» آن هم یک زن که هم «همسر» است، هم «مادر» است و هم «هنرمند»، باطل السحرسپاه نمایی‌های غربی درباره جایگاه زنان در جامعه ایرانی دارد. از منظر غربی‌ها و رسانه‌های معاند که در قالب جنگ نرم هر روز در حال تهاجم به ملت بزرگ ایران هستند، هیچ کدام از ویژگی‌هایی که فاطمه عبادی پور دارد، نباید کنار هم جمع شود! از منظر آن‌ها زنان در جامعه ایران جایگاهی ندارند، چه برسد به یک زن هنرمند که همسر و مادر هم باشد! عصر جدید اما با قالبی جذاب نشان داد که زن ایرانی چه جایگاهی نزد ملت ایران دارد. حتماً برای این برنامه هم می‌توان نقدهایی نوشت که درجای خود نوشته شده و خواهد شد اما در نگاه کلان، عصر جدید برنامه‌ای بود برای همه ایرانی‌ها در هر جایی که زندگی می‌کنند و با هر نژاد و استعدادی که دارند، برنامه‌ای که امیدهای فراوانی را در حوزه رسانه و تسلط بر ساختارهای جذاب برنامه‌سازی متناسب زنده کرده است و باید امیدوار بود با رفع نقدها و اشکالات، تبدیل به یک فرمول جذاب برای جذب مخاطب و ارائه محتوا در عصر جدید تلویزیون ایران شود.